

مرتضی - مدرسی چهاردهی

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

علی اکبر بصیری از دانشوران معاصر شیراز است ، سالها در حوزه تصوف درویشان ذهبی عرفان عملی و علمی را آموخت، مانند هر ایرانی دیگر سفرهائی بسوی خرابه‌های تخت جمشید کرد روح عرفانی او به تکاپو افتاد ، آنچه از آثار باستانی دید باروان عرفانی خود تطبیق نمود تا در یکی از شبها عقل باطن او نمودار شد ، در عالم رؤیا خود را در خرابه‌های تخت جمشید دید !

دوش اندر عالم دیوانگی	خارج از فرهنگ و از فرزانی
داریوش آمد بخوابم با شتاب	گفت کی بیچاره تا کی مست خواب
خیز و بامن آی در کاشانه‌ام	بنگر اسرار نهران خانه‌ام

ایرانی دوستدار علی و خاندان اوست بهر کجا رود نقش علی (ع) شاه مردان را می بیند : بخصوص صوفیان باصفا در خرابه‌های باستانی چندین هزار ساله هم نقش رخ دوست را آشکار می بینند ، چنانکه در کتاب «پرتو وحید در اسرار تخت جمشید» بصیری گوید :

پلکان و سردر قصر از دور نمایان شد

چونکه باب قصر را دیدم زدور	مینمود اینان بچشم من ظهور
زان دواستن و آن مسدس شد پدید	نقش کشتی نجات و دیده دید
بود آن کشتی چو نقش یا علی	که بقوسی یاء بنویسی جلی
یاء و لام آن ، چو چوب بادبان	عین و یاء چون پیکر کشتی عیان

یادم آمد از حدیث مصطفی	کان بود مستمسک اهل ولا
که بفرموده است آن سلطان روح	اهل بیتم را بدان کشتی نوح
هست نقش یا علی پنهان در این	بین در آفاکش تو با عین یقین
آشکارا بسد ز دو دروازه بان	نقش یساء و عین و نقش لام آن
وان مسدس هم چو قوسی یاعشدی	جلوه گردد در چشمم از نور هدی
پیش آن نقش عظیم تا بناک	اندر آن لحظه بیفتادم بخاک
سجده بردم پیش آن نقش آفرین	از عنایات «وحید» نمازین
که عیان بنمود آن نقش عظیم	پیش چشم این سیه زوی ائیم

هر گاه در تاریخ فلسفه و عرفان اسلامی نگاه کنیم خواهیم دید تجلیاتی از از روان پاک ایرانی در آن نمودار است. هر يك از حکیمان، عارفان در باره راز آفرینش و انسان شناسی نکته‌های دقیق و بدیعی سروده‌اند، ولی تا کتون درباره خرابه‌های باستانی تخت جمشید از دیده عرفان و معرفت سخنی نبود، همه‌اش از تشکیلات سیاسی و اجتماعی گفتگو میشود، مورخان ننوشته‌اند که آن آثار جایگاه پرورش روحی و شست و شوی روان آدمی بود؟^{۱۴}

هیچکس از آنان چنین انتظاری نداشت تا وارسته پا کدلی که در عرفان، هنرمند و استاد است خواست از دید باطن خود سیر آفاق و انفس نماید همت از پیر بزرگوار خود خواست و راه تخت جمشید را به‌مراه خضر راه خود رفت. توانست توشه ادبی عرفاتی دقیق برای ما بارمغان آورد، گنجینه‌ای از عرفان و معرفت را بصورت شعری نیاز اهل دل نمود.

نظامی گنجوی عارف افسونگر در فرهاد و شیرین. داد معنی داد، مکتبی فرهاد و شیرین را شیوا سرود، طاق‌بستان را گویندگان هنرمند ما چنان خوب وصف نمودند که از دیده ادب و عرفان فارسی نمونه کمال ذوق و هوش و معرفت است،

شاعرانی که ذوق از عرفان داشتند داستان خسرو شیرین را نیکو ترسیم نمودند ، وحشی بافقی از گویندگان نامی ، داستان فرهاد و شیرین را برشته نظم در آورد ، ماجرای فرهاد و شیرین از افسانه‌های شورانگیز ادبیات جهانی است ، داستان سرایان هنر مند چنان دامنه عشق فرهاد و شیرین را پرورش دادند که از بهترین گنجینه‌های فنانشا پذیر ادبیات جهان بشمار آمد .

آری نظامی گنجوی وحشی بافقی ، مکتبی ، خیال پروران نامی . افسونگری ، زیبایی را بحد کمال در ادبیات فارسی پدید آوردند ، عارف معاصر و باذوق شیراز از دیده عرفان نگاهی بآثار باستانی نمود و نموداری از تجلیات روانی خود را درین باره نمودار ساخت ، شمس الحق تبریزی زمان ما یکی از تربیت شدگان شیرازی خود را دستور داد این راه به پیماید .

علی اکبر بصیری این راه نرفته را باذوق و شوق تمام پیمود و در هر يك از گوشه‌های خرابه‌ها ، آثار باستانی را با یکی از دستورات عرفانی عملی و ذوقی تطبیق نمود چون زهر بزرگوار او آقامیرزا احمد تبریز مشهور به « وحید الاولیاء » بود . کتاب خود را بنام آن عارف وارسته « پرتو وحید در اسرار تخت جمشید » نهاد این کتاب از انتشارات خانقاه احمدی شیراز « در ۱۳۳۸ » خورشیدی « است راهی که بصیری پیمود بعقیده نگارنده ناچیز این سطرها نخستین راهی است در عرفان عملی که درباره آثار باستانی تخت جمشید برداشت . پویندگان عرفان بهمت اولیاء حق می‌توانند این گوشه راه‌ها را به پیمایند و از دیده معرفت بعضی از آثار تاریخی را بدقت نگاه کنند تا فرهنگ بزرگان باستان بهتر نمودار شود ، شاعری هنر مند ، شوریده‌ای افسونگر قطعه‌ای پدید می‌آورد در آغاز کار کوچکی خواهد بود ، کم کم هنر-مندان ، عاشق زیبایی و کمال دنبال اثر را می‌گیرند قطعه‌ای نمودار می‌سازند که جاودان می‌شود و در دفتر زمانه ثبت می‌گردد . بصیری نخستین گام را در

راه اسرار تخت جمشید برداشت و نیکو اثری بیادگار گذاشت. عارف بزرگوار و وارسته‌ای که راهنما و راهبر عالی قدرش بود، باو یاری کرد و همت داد. بصیری چون آشنا با آثار باستان‌شناسی است در معرفت علمی و عملی مطالعات دقیق دارد توانست به نیکوترین روش کتب اسرار تخت جمشید را بانجام برساند و اثر برجسته‌ای در ادبیات عرفانی پدید آورد، آری، آری پرورش روی يك مرد بزرگ روحانی اثراتی دارد. در تاریخ اسلام و ایران نمونه‌های بارز و آشکار آن را بسیار خوانده‌ایم.

براستی شادروان وحیدالاولیاء در مدت پنجاه سال تمام در گوشه‌ای از شیراز روش عرفانی او گسترش یافت، صدها و ارستگان آن سازمان از تعلیمات او بهره‌مند شدند، ده‌ها رساله و کتاب از پرتو همت شمس‌الحق تبریزی ما انتشار یافت نگارنده این سطور در مهرماه هزار و سیصد و چهل و دو توفیق یافت که به مأموریت استان فارس رفت و در مدت چهل و پنج روز که در شیراز بود همه روز و همه شب به تربیت «وحید» می‌شتافت و از روان تابناکش همت می‌خواست و خوش‌بختانه فیض‌های فراوان برد.

شورگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
 که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت
 من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش
 هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
 همه کس طالب یاراست چه هشیار و چه مست
 همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت
 (حافظ)